

تأثیر سبکهای رفتاری خانواده بر وضعیت روانی دانش‌آموزان و بر نگرش آنان به روابط انسانی در مدرسه

وحیده نوروزی

چکیده

سبک رفتاری خانواده و نحوه ارتباط پدر و مادر با فرزندان، عامل مؤثری در وضعیت روانی و نگرشهای آنان به زندگی و مناسبات اجتماعی و، از جمله، چگونگی نگرش به روابط انسانی در مدرسه است. این تحقیق، که روی یک نمونه ۱۵۲۲ نفری از دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه عمومی و پیش-دانشگاهی استان تهران انجام شده، با مطالعه پنج سبک رفتاری خانواده (یعنی خانواده منسجم و صمیمی، خانواده پاسخگو، خانواده بی تفاوت، خانواده مستبد، و خانواده آشفته) در پی پاسخگویی به این سؤال بوده است که هر یک از انواع خانواده‌های مذکور چه تأثیری بر وضعیت روانی و بر نگرش نوجوانان و جوانان مدارس راهنمایی و دبیرستانی نسبت به نوع رفتار اولیای مدارس با دانش‌آموزان دارند.

برای سنجش عامل روانی، وضعیت متعادل فرد از لحاظ فاقد بودن پنج ویژگی اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، نگرشهای ضداجتماعی، و روحیه خلافکاری، معیار قضاوت قرار گرفته است. همچنین، پنج متغیر سن، جنس، سطح تحصیلی، وضعیت اقتصادی، و وضعیت فرهنگی دانش‌آموزان نیز به‌عنوان متغیرهای زمینه‌ای بررسی شده است. روشهای آماری به کار رفته در این تحقیق، جدا از آمارهای توصیفی، شامل

مقایسه میانگینها و تحلیل رگرسیون چند متغیره برای پیش‌بینی عوامل مؤثر بر وضعیت روانی دانش‌آموزان و نگرش آنان در مورد روابط انسانی در مدرسه بوده است.

نتایج تحقیق حاکی از تأثیر مثبت سبک رفتاری خانواده‌های منسجم و صمیمی و خانواده‌های پاسخگو، و تأثیر منفی سبک رفتاری خانواده‌های بی‌تفاوت و مستبد و آشفته بر سلامت روانی دانش‌آموزان و نگرش آنان به روابط انسانی در مدرسه است.

مفاهیم مورد مطالعه و پیشینه‌های پژوهشی

مردم و واقعه‌های محیط زندگی هر فرد تأثیر مهمی بر رشد شخصیت و نگرش اجتماعی وی به‌جای می‌گذارند. سلامت روانی و نگرش دانش‌آموزان به مناسبات انسانی در مدرسه نیز متأثر از عوامل گوناگون زندگی خانوادگی و اجتماعی و آموزشی است. تحقیقات نشان می‌دهد که مهمترین عامل مؤثر بر سلامت روانی و نگرش اجتماعی کودکان و نوجوانان، سایر مردم بخصوص والدین آنان هستند (هس و مک‌دویت^۱، ۱۹۸۹). پدر و مادر در برخورد با فرزندان خود به برخی از رفتارهای آنان پاداش می‌دهند و در مقابل برخی دیگر از رفتارها مقاومت می‌کنند. آنان همچنین الگوی فکری و روانی و رفتاری و اطلاعاتی فرزندان هستند.

بدون تردید بخشی از رفتارهای دانش‌آموزان ناشی از ویژگیهای وراثتی و طبیعی آنان نیز هست. تحقیقات نیز مؤید این واقعیت است (کاگان^۲ و همکاران، ۱۹۹۲؛ بوچارد^۳ و همکاران، ۱۹۹۰؛ پلومین^۴، ۱۹۸۹؛ و کلارک-استیوارت^۵، ۱۹۸۸). این محققان نشان داده‌اند که تفاوت‌های رفتاری کودکان و نوجوانان از همان آغاز تولد آنان مشهود است. در عین حال، عوامل محیطی نیز در این رفتارها نقش غیرقابل انکاری دارد. هارتاپ^۶ (۱۹۸۹) و جاکوبسون و وایل^۷ (۱۹۸۶) نشان داده‌اند که چگونگی تعلق^۸ مادر و فرزند و تأثیر والدین بر فرزندان در هفته‌ها و ماههای اول زندگی نیز بسیار شدید و پردوام است.

الگوهای پرورش فرزند، یا نحوه فرزندپروری^۹، نیز نقش مهمی در چگونگی رشد شخصیت و سلامت روانی فرزندان دارد. برخی از محققان (از جمله باوم‌رایند^{۱۰}، ۱۹۶۷، ۱۹۷۱، و ۱۹۸۹، و مک‌کویی و مارتین^{۱۱}، ۱۹۸۳) چهار سبک فرزندپروری را تفکیک کرده و رابطه هر یک از آنها با شخصیت و سلامت روانی و رفتار اجتماعی فرزندان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. این چهار سبک فرزندپروری عبارتند از ابهت و پاسخگویی^۲، روش استبدادی^۳، آسان‌گیری^۴، و بی‌تفاوتی^۵. روش رفتار هر دسته از والدین در این انواع چهارگانه فرزندپروری متفاوت از دیگری است.

¹ - Hess & McDevitt

5- Clarke- Stewart

9- Parenting

² - authoritative

2- Kagan

6- Hartuap

10- Baumrinde

2- authoritarian

3- Bouchard

7- Jacobson & Wille

11- Maccoby & Martin

3- permissive

4- Plomin

8- attachment

4- uninvolved

جدا از پیشینه‌های پژوهشی جهانی، بررسی‌های ما حاکی از آن است که در ایران نیز پژوهشهایی در مورد چگونگی فرزندپروری و رابطه آن با برخی از ویژگیهای روان‌شناختی نوجوانان دانش‌آموز صورت گرفته است. در عین حال، ما به پژوهشی که تأثیر سبکهای رفتاری خانواده بر چگونگی نگرش دانش‌آموزان به روابط انسانی در مدرسه را مورد بررسی قرار دهد دست نیافتیم. دوازده پژوهش زیر تنها مواردی است که در ارتباط با فرزندپروری و برخی ویژگیهای روان‌شناختی نوجوانان صورت گرفته است:

۱- "بررسی رابطه هوش، انگیزه پیشرفت، شیوه‌های فرزندپروری، و مدت عضویت با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه دوم و سوم راهنمایی عضو کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در شهر اهواز" که یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد است و توسط آقای اصغر تاجوند (۱۳۷۷) در دانشگاه اهواز انجام شده است.

۲- "بررسی تأثیر شیوه‌های فرزند پروری بر انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی شهرستان شیراز". این پژوهش نیز یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد است که در دانشگاه علامه طباطبایی توسط آقای اصغر پوردرویش (۱۳۷۶) انجام شده است.

۳- "بررسی رابطه شیوه‌ها و نگرش‌های فرزند پروری و خلاقیت" که آن نیز یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد است که در سال ۱۳۷۶ در دانشگاه علامه طباطبایی توسط خانم شیرین جمشیدی عینی انجام شده است.

۴- "بررسی ارتباط شیوه‌ها و نگرش‌های فرزند پروری با خلاقیت و رابطه متغیر اخیر با هوش، پیشرفت تحصیلی، و رفتارهای پیشرفت‌گرای دانش‌آموزان سال اول دبیرستانهای اهواز". این پژوهش، توسط آقایان محمد کفایت و حسین شکرکن در سال ۱۳۷۵ انجام شده است. در این پژوهش تعداد ۲۳۹ نفر دانش‌آموز پسر سال اول مقطع متوسطه شهرستان اهواز شامل ۲۲۱ نفر دانش‌آموز پسر و ۲۱۸ نفر دانش‌آموز دختر از سه سطح اجتماعی - اقتصادی (مرفه، نیمه مرفه و نامرفه) شرکت داشته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که میان شیوه‌های سه‌گانه استقلال‌آموزی، تسلط‌آموزی، و مراقبت‌آموزی در فرزندپروری با خلاقیت، همبستگی منفی و معنی‌دار وجود دارد.

۵- "رابطه شیوه‌های فرزندپروری با انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی اهواز". این پژوهش توسط آقایان حسین شکرکن و مسعود باقری در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه شهید چمران اهواز انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میان سن آغاز به‌کارگیری شیوه‌های فرزندپروری (استقلال-آموزی، تسلط‌آموزی، و مراقبت‌آموزی) مادران در مورد پسران دانش‌آموز راهنمایی اهواز و انگیزه پیشرفت این دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. این رابطه، رابطه‌ای منفی است، بدین معنا که هر چه سن آغاز به-کارگیری این شیوه‌ها پایین‌تر باشد، میزان انگیزه پیشرفت بیشتر است.

۶- "بررسی رابطه بین شیوه فرزندپروری و عزت نفس دانش‌آموزان پسر متوسطه در شهرستان قائم-شهر". این پژوهش، که پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی در دانشگاه علامه طباطبایی است، توسط

آقای سید محمد حسینیان آقاملکی در سال ۱۳۷۶ انجام شده است. به منظور بررسی رابطه بین رفتار والدین و عزت نفس دانش‌آموزان، رفتار والدین به سه حالت دموکرات، دیکتاتور و سهل‌گیر تقسیم شده و این نتیجه حاصل شده است که بین رفتار دموکراتیک والدین و تمامی ابعاد عزت نفس دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و میانگین عزت نفس دانش‌آموزانی که والدین آنان رفتار دموکراتیک دارند بیش از میانگین عزت نفس دانش‌آموزانی است که والدین سهل‌گیری دارند. همچنین، بین رفتار مستبدانه و عزت نفس دانش‌آموزان رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد و میانگین عزت نفس دانش‌آموزانی که والدین آنان رفتار مستبدانه دارند کمتر از میانگین عزت نفس دانش‌آموزانی است که والدین سهل‌گیری دارند. علاوه بر این، میانگین عزت نفس تحصیلی و بدنی و اجتماعی دانش‌آموزانی که والدین سهل‌گیری دارند با میانگین عزت نفس دانش‌آموزانی که والدین آنان رفتار مستبدانه‌ای دارند تفاوت معناداری ندارد.

۷- "بررسی و مقایسه ویژگیهای شخصیتی و شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان عادی و مبتلا به اختلال سلوکی در مدارس ابتدایی شهر تهران در سال ۱۳۷۵". این پژوهش، که پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی در دانشگاه علامه طباطبایی است توسط خانم لیدا لیل‌آبادی انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد که مادران کودکان مبتلا به اختلال سلوکی نسبت به مادران کودکان عادی، از نظر شخصیتی به طور معنی‌داری گسیخته‌تر، از نظر هیجانی ناپایدارتر، سلطه‌گراتر، دارای وجدانی ضعیفتر، بدگمانتر، غیرمقرراتی‌تر، و دارای تنش عصبی بیشتری هستند. همچنین، شیوه فرزندپروری مادران کودکان عادی به‌طور معنادار اطمینان‌بخش‌تر از مادران کودکان بیمار است.

۸ و ۹- دو پژوهش دیگر، که کمابیش با موضوع پژوهش ما ارتباط دارد، یکی با عنوان "بررسی اثر آموزش درس مهارتهای زندگی در تعامل با شیوه‌های فرزندپروری بر عزت نفس دانش‌آموزان استان اردبیل" توسط آقای محمد اسماعیلی (۱۳۸۰)؛ و دیگری با عنوان "بررسی خصوصیات شخصیتی نوجوانان پرخاشگر و ساخت خانوارهای آنها در میان دانش‌آموزان مدارس" توسط آقای علی‌رضا مرادی (۱۳۶۵) به انجام رسیده است. در این پژوهشها نیز رابطه چگونگی رفتار والدین با برخی ویژگیهای روانی دانش‌آموزان مورد توجه واقع شده است.

۱۰ و ۱۱ و ۱۲- سه پژوهش دیگر در مورد وضعیت سلامت/ ناسلامتی روانی دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستانی انجام شده است که اولی با عنوان "بررسی خصوصیات شخصیتی نوجوانان پرخاشگر و ساخت خانوادگی آنها در استان لرستان" توسط آقای رحیم سبحانی (۱۳۷۵)؛ دومی با عنوان "بررسی شیوع اختلالهای سلوک و نافرمانی در دانش‌آموزان راهنمایی استان کردستان" توسط آقای فایق یوسفی و همکاران (۱۳۷۹)؛ و سومی با عنوان "تعیین شیوع افسردگی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان کرج" توسط آقایان محمدمهدی قاسمی و احمدعلی نوربالا (۱۳۸۰) به اجرا درآمده است. این پژوهشها صرفاً به بررسی وضعیت برخی از ویژگیهای روانی دانش‌آموزان پرداخته است.

جدا از مواردی که در بالا اشاره شد، و به صورت محدودی با موضوع مورد مطالعه ما ارتباط داشت، در یکی از پژوهش‌ها به صورت گسترده‌تری به بررسی سبک‌های رفتاری خانواده پرداخته شده است. در این پژوهش که توسط لطف‌آبادی (۱۳۸۱) در مورد چگونگی فرزندپروری در ایران صورت گرفته، تقسیم‌بندی نسبتاً جدیدی از سبک‌های فرزندپروری، که با ویژگی‌های ملی ایرانی همخوانی بیشتری دارد، به عمل آمده است. در این مطالعات، که با عنوان "وضعیت و نگرش و مسائل نوجوانان و جوانان سراسر ایران" روی یک نمونه بسیار وسیع ۷۵ هزار نفری صورت گرفته و موضوعات مختلفی را شامل می‌شود، پنج نوع خانواده به شرح زیر از یکدیگر تفکیک شده‌اند: خانواده منسجم و صمیمی، خانواده پاسخگو، خانواده بی‌تفاوت، خانواده مستبد، و خانواده آشفته. هر گروه از این خانواده‌ها ویژگی‌های خاص خود را دارند و فرزندان نوجوان و جوان آنان نیز، بر حسب آنکه متعلق به کدام دسته از این خانواده‌ها باشند، نگرش ویژه‌ای نسبت به والدین خود ابراز داشته‌اند. ما نیز در تحقیق خود همین الگو را مورد استفاده قرار داده‌ایم. مشخصه‌های اصلی هر گروه از پنج نوع خانوادها‌ی مورد بحث را (با استفاده از گزارش پژوهشی مذکور، همان، صفحه ۱۱۴ تا ۱۲۳) به شرح زیر خلاصه می‌کنیم:

الف- خانواده منسجم و صمیمی: وجود ارتباط نزدیک و صمیمانه بین اعضاء، فراهم آوردن محیط گرم و صمیمی در خانه، وجود انتظار از یکدیگر از نظر دریافت صمیمیت و محبت و رفتارهای مورد قبول، وجود اعتماد بین اعضای خانواده، و حل مشکلات خانواده از طریق گفتگوهای آرام و صمیمانه.

ب- خانواده پاسخگو: وجود قدرت و ابهت احترام برانگیز در پدر و مادر، احساس مسئولیت پدر و مادر در قبال فرزندان و ارائه کمک‌های لازم به آنان، توجه پدر و مادر به کارهای فرزندان، شرکت دادن فرزندان در تصمیم‌گیری‌ها و واگذاری فرصت‌های تصمیم‌گیری شخصی به فرزندان، و درک وضعیت فرزندان و پاسخگویی به نیازهای آنان.

ج- خانواده بی‌تفاوت: بی‌توجهی اعضای خانواده به یکدیگر و حمایت نکردن از فرزندان، عملکرد دلبخواه هر یک از اعضای خانواده، رهاشدگی هر یک از اعضای خانواده به حال خود، عدم دخالت پدر و مادر در کارها و رفتار فرزندان، فقدان انتظار از فرزندان، علاقه اندک پدر و مادر به مسائل زندگی فرزندان، و دلمشغولی هر یک از اعضای خانواده به مسائل خود.

د- خانواده مستبد: زورگویی بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها در خانواده، انتقال محبت اندک و فشار فراوان به فرزندان، انتظارات بیش از حد از فرزندان، تعیین مقررات رفتاری دشوار برای فرزندان بدون توجه به نیازهای آنان، انتظار اطاعت بی‌چون و چرا از فرزندان، محدود کردن آزادی‌های طبیعی فرزندان، و فقدان اجازه بده-بستان و گفتگوی متقابل بین والدین با فرزندان.

ه- خانواده آشفته: ناآرامی در فضای خانواده و بین پدر و مادر، وجود اختلاف و درگیری بین والدین و فرزندان، وجود تنبیه بدنی و کتک‌کاری در خانواده، وجود تنبیه کلامی و اهانت به فرزندان در خانواده، و فقدان احترام متقابل و روابط دوستانه در خانواده.

دقت در سبکهای رفتاری خانواده‌های فوق و نیز تحقیقات ملی (لطف‌آبادی، ۱۳۸۱) نشان می‌دهد که خانواده منسجم و صمیمی و خانواده با‌بهت و پاسخگو بهترین نوع خانواده برای فرزندان (و دیگر اعضای خانواده) است و سه نوع دیگر خانواده، یعنی خانواده بی‌تفاوت و خانواده مستبد و خانواده آشفته، ناموفقترین خانواده در تربیت فرزندان است. تحقیقات جهانی نیز (از جمله، استاین‌برگ^۱، ۱۹۹۳، و استاین-برگ و همکاران، ۱۹۸۹) حاکی از آن است که خانواده پاسخگو بهترین نوع خانواده، و خانواده بی‌تفاوت و خانواده مستبد بدترین نوع خانواده برای فرزندان است. به بیان دیگر، یک خانواده منسجم و متعادل و صمیمی که هم دارای ایهت و پاسخگویی کافی در قبال نیازهای فرزندان است و هم هنجارها و مقررات معقول و انتظارات کافی از فرزندان دارد و مراقب و کنترل‌کننده آنان است شرایط بهتری برای فرزندان فراهم می‌آورد.

در مورد مفهوم سلامت روانی، نگرش عموم روان‌شناسان آن است که سلامت روانی یکی از جنبه‌های سلامت عمومی (یعنی برخورداری از رفاه کامل جسمی و روانی و اجتماعی و معنوی) است. سلامت روانی، که در مفهوم دقیق کلمه، به معنای احساس رضایت و شادابی و نشاط و تعادل روانی، درک درست از واقعیتها و ارائه پاسخ سازگارانه و مؤثر در برخورد با آنها، تعامل سالم دنیای درونی فرد با دنیای پیرامون، توانایی کنترل کردن و نظم بخشیدن به کششها و تمایلات درونی، برخورداری از خصوصیات روانی و سبک زندگی غیر متعارض با هنجارهای سالم زندگی اجتماعی- فرهنگی، و دارا بودن عملکردهای سازنده و مولد در زندگی شخصی و اجتماعی است. حائز اهمیت درجه اول در زندگی جوانان (و سایر افراد) است. ما در پژوهش خود کمبودهای سلامت روانی نوجوانان و جوانان دانش‌آموز را از طریق مطالعه میزان اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، نگرش ضداجتماعی، و روحیه خلافتکاری مورد مطالعه قرار داده‌ایم.

در مورد نگرش دانش‌آموزان به روابط انسانی در مدرسه نیز، نظر دانش‌آموزان در مورد شخصیت و رفتار مدیر و ناظم و معلمان در مدرسه را در هشت مقوله مختلف مدیریتی و آموزشی و پرورشی مبنای بررسی قرار داده‌ایم.

روش پژوهش

بر اساس پایه‌های نظری که در بالا توضیح داده شد، ما در تحقیق خود در پی بررسی این فرضیه پژوهشی بوده‌ایم که دانش‌آموزان نوجوان و جوان متعلق به خانواده‌های منسجم و خانواده‌های پاسخگو اولاً از سلامت روانی برتری، در مقایسه با خانواده‌های بی‌تفاوت و مستبد و آشفته، برخوردارند و ثانیاً دارای نگرش مثبت بیشتری نسبت به روابط انسانی در مدرسه هستند.

^۱ - Steinberg

نمونه مورد مطالعه در تحقیق ما، که به روش تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شده، شامل ۱۵۲۲ نفر نوجوانان و جوانان دانش‌آموز ۱۲ تا ۱۸ ساله مدارس راهنمایی و متوسطه عمومی و پیش‌دانشگاهی استان تهران بوده است. جدول زیر نشان می‌دهد که جمعیت و نمونه تحقیق چه وضعیتی داشته است.

جدول ۱: اندازه‌های جمعیت و نمونه تحقیق

جمع کل	دانش‌آموزان پیش-دانشگاهی	دانش‌آموزان متوسطه عمومی	دانش‌آموزان راهنمایی	
۱۵۵۹۷۰۵	۷۲۶۹۶	۴۷۳۴۶۷	۴۳۴۳۵۱	شهر تهران
۱۳۰۷۰۷۴	۳۴۲۹۹	۳۲۱۳۱۵	۳۹۹۸۰۸	شهرستانهای تهران
۲۸۶۶۷۷۹	۱۰۶۹۹۵	۷۹۴۷۸۲	۸۳۴۱۵۹	جمعیت دانش‌آموزی استان تهران
۱۵۲۲	۱۵۶	۷۹۷	۵۶۹	نمونه مورد مطالعه

متغیر مستقل در این تحقیق عبارت از سبک رفتاری خانواده، و متغیرهای تابع شامل مهمترین کمبودهای سلامت روانی دانش‌آموزان نوجوان و نگرش آنان به روابط انسانی در مدرسه بوده است. برای سنجش کمبودهای سلامت روانی، بر اساس مؤلفه‌های روان‌شناسی بهنجاری و نابهنجاری روانی، وضعیت فرد از لحاظ پنج ویژگی اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، نگرشهای ضداجتماعی، و روحیه خلاقیت، معیار قضاوت قرار گرفته است. همچنین، پنج متغیر سن، جنس، سطح تحصیلی، وضعیت اقتصادی، و وضعیت فرهنگی دانش‌آموزان نیز به‌عنوان متغیرهای زمینه‌ای بررسی شده است.

ابزار پژوهشی مورد استفاده در تحقیق، "پرسشنامه سبکهای فرزندپروری و کمبودهای سلامت روانی نوجوانان و جوانان ایران" است که روی یک نمونه ۷۵ هزار نفری از نوجوانان و جوانان ایران هنجاریابی شده و روایی و پایایی آن نیز احراز شده است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۱).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این تحقیق را در سه بخش (یافته‌های آماری مقدماتی توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای، مقایسه میانگینها، و تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تأثیر سبکهای فرزندپروری بر وضعیت روانی و نگرش دانش‌آموزان به روابط انسانی در مدرسه) همراه با نتیجه‌گیری نهایی، به ترتیب، ارائه می‌کنیم.

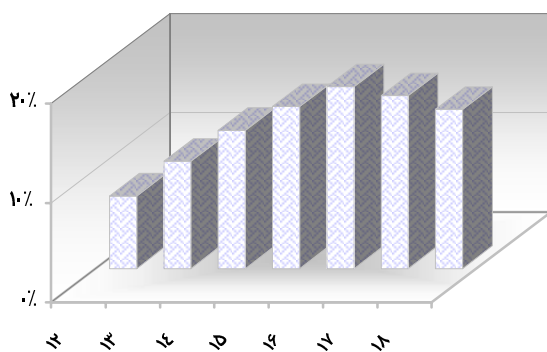
۱- آمارهای مقدماتی توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای

آمارها و جداول زیر، توزیع فراوانی وضعیت دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستانی مورد مطالعه در استان تهران، از لحاظ متغیرهای زمینه‌ای، را نشان می‌دهد.

۲- جدول فراوانی سن و جنس آزمودنی‌ها

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تراکمی
۱۲ سال	۱۱۱	۷،۳	۷،۳
۱۳ سال	۱۶۴	۱۰،۸	۱۸،۱
۱۴ سال	۲۱۲	۱۳،۹	۳۲
۱۵ سال	۲۴۸	۱۶،۳	۴۸،۳
۱۶ سال	۲۷۸	۱۸،۳	۶۶،۶
۱۷ سال	۳۲۵	۱۷،۴	۸۴
۱۸ سال	۲۴۴	۱۶	۱۰۰
کل	۱۵۲۲	۱۰۰	
پسر	۷۰۴	۴۶،۲	۴۶،۲
دختر	۸۱۸	۵۳،۸	۱۰۰

۱- نمودار فراوانی سن آزمودنی‌ها



۳- جدول فراوانی وضعیت اقتصادی و فرهنگی آزمودنیها

وضعیت اقتصادی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تراکمی	وضعیت فرهنگی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تراکمی
پایین	۲۳۵	۱۵،۶	۱۵،۶	پایین	۵۱۴	۳۶،۱	۳۶،۱
نسبتاً پایین	۱۱۴۶	۷۵،۹	۹۱،۵	نسبتاً پایین	۶۰۹	۴۳،۷	۷۸،۷
بالا	۱۲۹	۸،۵	۱۰۰	بالا	۳۰۴	۲۱،۳	۱۰۰
کل	۱۵۱۰	۱۰۰		کل	۱۴۲۷	۱۰۰	
بی پاسخ	۱۲	۰،۸		بی پاسخ	۹۵	۶،۲	

وضعیت اقتصادی دانش‌آموزان را بر اساس متغیرهای درآمد ماهانه کل اعضای خانواده، وضعیت و امکانات زندگی، و وضعیت محل سکونت دانش‌آموزان اندازه‌گیری کرده‌ایم. یافته‌های ما نشان می‌دهد که یک اکثریت ۹۱ درصدی از این نوجوانان و جوانان در وضعیت اقتصادی پایین و نسبتاً پایین به سر می‌برند و فقط ۹ درصد آنان از وضعیت اقتصادی بالایی برخوردار هستند. همچنین، سه چهارم نوجوانان و جوانان دانش‌آموز راهنمایی و دبیرستانی در استان تهران از لحاظ فرهنگی (که برگرفته از سطح تحصیلات پدر و مادر، نوع شغل پدر و مادر، و امکانات فرهنگی خانواده است) در سطح پایین و نسبتاً پایینی هستند و نزدیک به یک چهارم آنان از این بابت وضع مناسبی دارند.

۲- مقایسه میانگینها

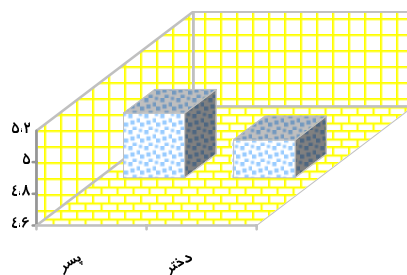
در این بخش به مقایسه میانگین سبکهای مختلف رفتاری خانواده، کمبودهای سلامت روانی دانش‌آموزان، و نگرش آنان به روابط انسانی در مدرسه، به ترتیب، در چهار مقوله جنسیت، سطح تحصیلی، وضعیت اقتصادی و وضعیت فرهنگی پرداخته‌ایم. این آمارها، که با استفاده از روش تحلیل واریانس به دست آمده است، به ما کمک می‌کند تا بینیم تفاوت دانش‌آموزان مورد مطالعه از نظر سبکهای رفتاری خانواده، کمبودهای سلامت روانی، و چگونگی نگرش به روابط انسانی در مدرسه در سنین مختلف، برای پسران و دختران، برای دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه و پیش‌دانشگاهی، سطح اقتصادی، و سطح فرهنگی زندگی آنان به چه صورتی است. در ابتدای هر مورد از مقایسه میانگینها، جدول آماری تحلیل واریانس را ارائه کرده و سپس نمودارهای مربوط به تفاوت‌های معنادار در هر یک از متغیرهای زمینه‌ای مذکور را ترسیم کرده‌ایم.

۴) جدول مقایسه میانگین خرده‌مقیاسها در مقوله جنسیت و نتایج تحلیل واریانس

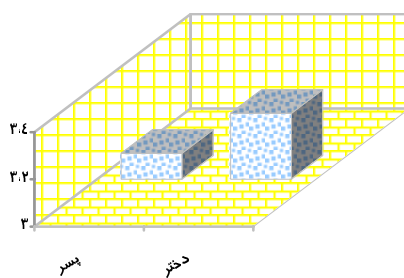
سطح معناداری در تحلیل واریانس	میانگین گروهها		خرده‌مقیاسها
	دختر	پسر	
۰,۰۰۰	۴,۸۴	۵,۰۱	خانواده منسجم
۰,۴۰	۴,۸۷	۴,۹۱	خانواده پاسخگو
۰,۶۱	۱,۹۷	۲	خانواده بی تفاوت
۰,۰۰۶	۲,۶۵	۲,۵۳	خانواده مستبد
۰,۶۱	۲,۵۱	۲,۵۴	خانواده آشفته
۰,۰۰۰	۳,۲۸	۳,۱۱	اضطراب
۰,۰۰۲	۲,۷۸	۲,۶۴	افسردگی
۰,۰۰۰	۳,۴۵	۳,۶۵	پرخاشگری
۰,۰۰۰	۲,۸۰	۲,۹۶	نگرش ضداجتماعی
۰,۱۱	۲,۲۱	۲,۳۰	روحیه خلاقیت
۰,۰۰۲	۳,۴۲	۳,۵۴	روابط انسانی در مدرسه

جدول فوق نشان می‌دهد که در شش مورد، بین پسران و دختران از بابت سبکهای رفتاری خانواده و مقوله‌های کمبود سلامت روانی و نگرش به روابط انسانی در مدرسه تفاوت معنی‌دار وجود دارد که این موارد در نمودارهای زیر رسم شده. مثلاً نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد که پسران دانش‌آموز، بیش از دختران، خانواده‌های خود را دارای انسجام و صمیمیت ارزیابی کرده‌اند. نمودار ۳ و ۴ حاکی از اضطراب و افسردگی بیشتر در بین دختران و نمودار ۵ و ۶ نشان‌دهنده پرخاشگری و نگرش ضداجتماعی بیشتر در بین پسران است. آخرین نمودار مربوط به جدول فوق (نمودار شماره ۷) حاکی از آن است که پسران، در مقایسه با دختران، نگرش خوش‌بینانه‌تری نسبت به روابط انسانی در مدرسه دارند.

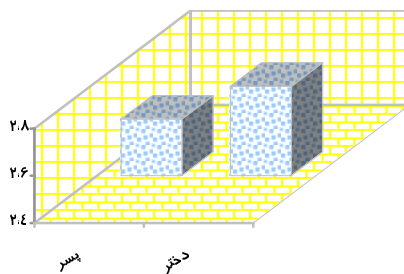
۲) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس خانواده منسجم در مقوله جنسیت



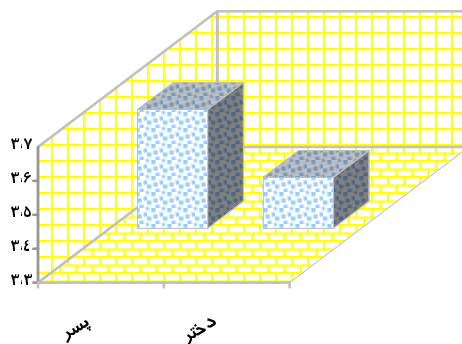
۳) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس اضطراب در مقوله جنسیت



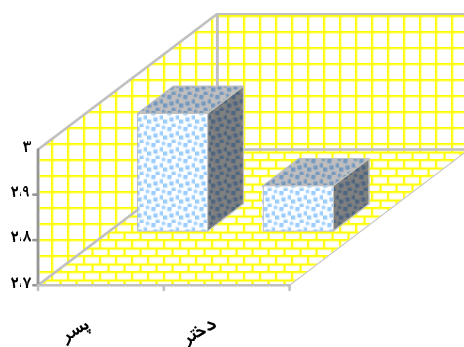
۴) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس افسردگی در مقوله جنسیت



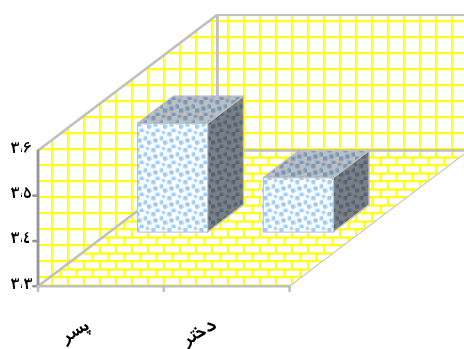
۵) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس پرخاشگری در مقوله جنسیت



۶) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس نگرش ضداجتماعی در مقوله جنسیت



۷) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس روابط انسانی در مدرسه در مقوله جنسیت



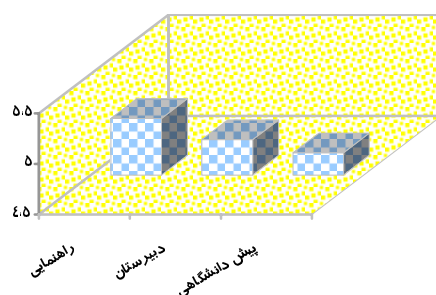
۵) جدول مقایسه میانگین خرده‌مقیاسها در مقوله سطح تحصیلی و نتایج تحلیل واریانس

سطح معناداری در تحلیل واریانس	میانگین گروهها از نظر سطح تحصیلی			خرده‌مقیاسها
	پیش‌دانشگاهی	دبیرستان	راهنمایی	
۰,۰۰۰	۴,۷۲	۴,۸۵	۵,۰۶	خانواده منسجم
۰,۰۳	۴,۷۹	۴,۸۶	۴,۹۷	خانواده پاسخگو
۰,۰۰۰	۲,۱۳	۲,۰۴	۱,۸۷	خانواده بی تفاوت
۰,۰۸	۲,۶۲	۲,۶۵	۲,۵۱	خانواده مستبد
۰,۰۲	۲,۵۵	۲,۵۹	۲,۴۲	خانواده آشفته
۰,۰۰۰	۳,۱۹	۳,۲۷	۳,۰۹	اضطراب
۰,۰۰۰	۲,۸۰	۲,۸۱	۲,۵۶	افسردگی

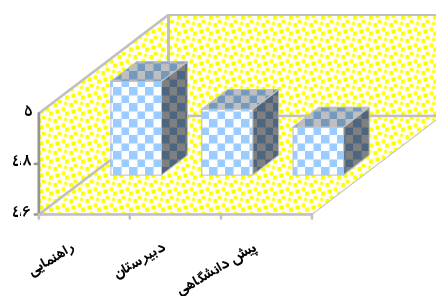
۰،۵۴	۳،۴۶	۳،۵۶	۳،۵۳	پرخاشگری
۰،۰۶	۲،۸۱	۲،۹۳	۲،۸۲	نگرش ضداجتماعی
۰،۱۵	۲،۲۲	۲،۳۰	۲،۱۸	روحیهٔ خلاقکاری
۰،۰۰۰	۳،۲۸	۳،۴۴	۳،۵۸	روابط انسانی در مدرسه

از جدول شماره ۵ و نمودارهای زیر (از شماره ۸ تا ۱۴) برمی‌آید که در هفت مورد، بین دانش‌آموزان سطوح راهنمایی و متوسطه و پیش‌دانشگاهی از بابت سبکهای رفتاری خانواده و مقوله‌های کمبود سلامت روانی و نگرش به روابط انسانی در مدرسه تفاوت معنی‌دار (از آلفای ۰/۰۵ تا ۰/۰۰۰) وجود دارد. مثلاً نمودارهای شماره ۸ و ۹ و ۱۴ نشان می‌دهد که، به ترتیب، دانش‌آموزان راهنمایی، دبیرستانی، و پیش‌دانشگاهی خانواده‌های خود را دارای انسجام و صمیمیت و پاسخگویی ارزیابی کرده و نگرش مثبت بیشتری به روابط انسانی در مدرسه ابراز داشته‌اند. نمودار ۱۰ نشان می‌دهد که دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی بیش از سایر دانش‌آموزان از کم‌تفاوتی خانواده‌های خود سخن گفته‌اند و نمودار ۱۱ بیانگر آن است که خانواده‌های دانش‌آموزان دبیرستانی آشنفنگی بیشتری دارند. از سوی دیگر، و نمودارهای ۱۲ و ۱۳ حاکی از اضطراب و افسردگی بیشتر در بین دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی است.

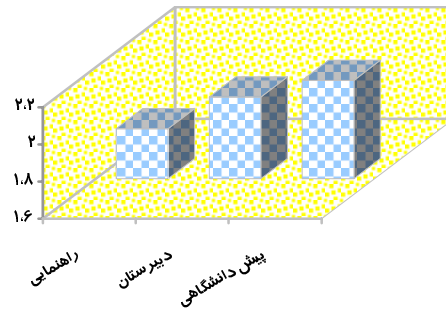
۸) نمودار مقایسهٔ میانگینهای خرده‌مقیاس خانوادهٔ منسجم در مقولهٔ سطح تحصیلی



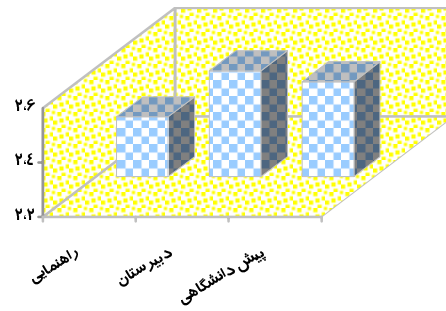
۹) نمودار مقایسهٔ میانگینهای خرده‌مقیاس خانوادهٔ پاسخگو در مقولهٔ سطح تحصیلی



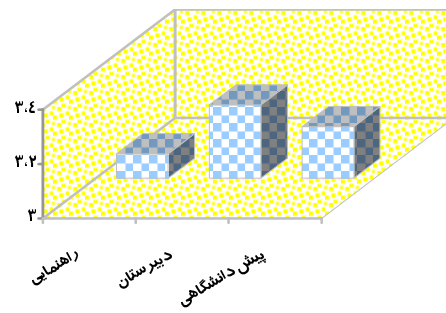
۱۰) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس خانواده بی تفاوت در مقوله سطح تحصیلی



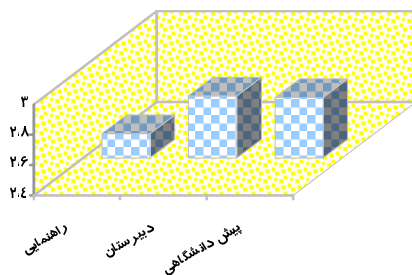
۱۱) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس خانواده آشفته در مقوله سطح تحصیلی



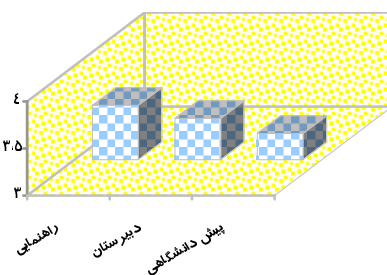
۱۲) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس اضطراب در مقوله سطح تحصیلی



۱۳) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس افسردگی در مقوله سطح تحصیلی



۱۴) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس روابط انسانی در مدرسه در مقوله سطح تحصیلی

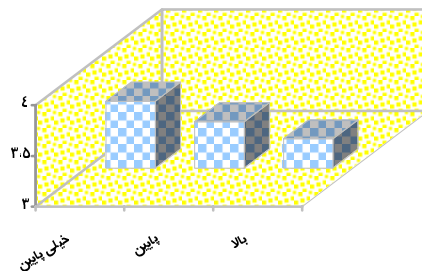


۱۶) جدول مقایسه میانگین خرده‌مقیاسها در مقوله وضعیت اقتصادی و نتایج تحلیل واریانس

سطح معناداری در تحلیل واریانس	میانگین وضعیت اقتصادی گروهها			خرده‌مقیاسها
	بالا	پایین	خیلی پایین	
۰.۴۷	۴.۸۳	۴.۹۲	۴.۹۶	خانواده منسجم
۰.۱۲	۴.۸۲	۴.۹۲	۴.۸۰	خانواده پاسخگو
۰.۱۴	۲.۱۴	۱.۹۷	۲.۰۲	خانواده بی تفاوت
۰.۱۰	۲.۶۹	۲.۵۶	۲.۷۳	خانواده مستبد
۰.۱۴	۲.۴۹	۲.۴۹	۲.۶۵	خانواده آشفته
۰.۷۵	۳.۲۶	۳.۱۹	۳.۱۹	اضطراب
۰.۹۸	۲.۷۳	۲.۷۲	۲.۷۱	افسردگی
۰.۱۰	۳.۵۸	۳.۵۶	۳.۴۱	پرخاشگری
۰.۳۷	۲.۹۸	۲.۸۸	۲.۸۳	نگرش ضداجتماعی
۰.۷۵	۲.۲۹	۲.۳۵	۲.۲۰	روحیه خلافکاری
۰.۰۰۰	۳.۲۹	۳.۴۶	۳.۶۶	روابط انسانی در مدرسه

جدول ۶ و نمودار ۱۵ به روشنی نشان می‌دهد که فقط در مورد روابط انسانی در مدرسه است که دانش‌آموزان متعلق به سطوح مختلف اقتصادی نگرش متفاوتی دارند؛ به این معنا که، به ترتیب، نگرش افراد متعلق به طبقات خیلی پایین، پایین، و طبقات بالا به روابط انسانی در مدرسه مثبت است. یعنی هرچه از طبقات پایین اقتصادی به طبقات بالای اقتصادی جلو می‌رویم، نگرش مثبت آنان به روابط انسانی در مدرسه کاهش می‌یابد. مسلماً می‌توان تبیین‌های متفاوتی از این مسأله ارائه کرد. به نظر می‌رسد که طبقات اقتصادی بالاتر، هم اطلاعات بیشتری از مسائل مربوط به چگونگی روابط انسانی در مدارس مجهز دارند و هم انتظارشان از مدرسه در رفتار با دانش‌آموزان بیشتر است و لذا از وضع موجود در مدارس رضایت کمتری دارند.

(۱۵) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس روابط انسانی در مدرسه در مقوله وضعیت اقتصادی

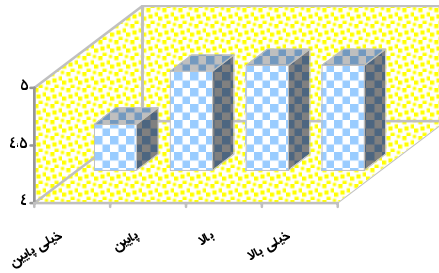


(۷) جدول مقایسه میانگین خرده‌مقیاسها در مقوله وضعیت فرهنگی و نتایج تحلیل واریانس

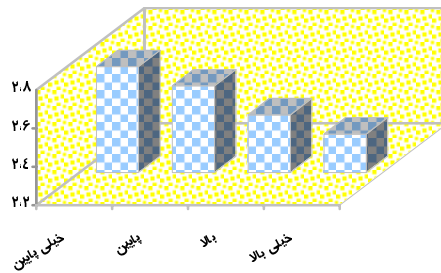
سطح معناداری در تحلیل واریانس	میانگین وضعیت فرهنگی گروهها				خرده‌مقیاسها
	بالا	نسبتاً بالا	نسبتاً پایین	پایین	
۰.۲۰	۴.۸۸	۴.۹۴	۴.۸۹	۴.۶۱	خانواده منسجم
۰.۰۱	۴.۹۱	۴.۹۱	۴.۸۶	۴.۴۰	خانواده پاسخگو
۰.۲۴	۱.۹۶	۲.۰۳	۱.۹۷	۲.۲۶	خانواده بی تفاوت
۰.۰۵۲	۲.۵۶	۲.۵۸	۲.۶۵	۲.۷۸	خانواده مستبد
۰.۰۱	۲.۴۰	۲.۵۰	۲.۶۵	۲.۷۵	خانواده آشفته
۰.۰۰۰	۳.۰۵	۳.۱۶	۳.۳۰	۳.۵۸	اضطراب
۰.۰۱	۲.۵۵	۲.۷۳	۲.۸۱	۳	افسردگی
۰.۸۴	۳.۵۴	۳.۵۳	۳.۵۴	۳.۶۷	پر خاشگیری
۰.۳۲	۲.۸۱	۲.۸۶	۲.۹۲	۲.۹۸	نگرش ضد اجتماعی
۰.۰۵۲	۲.۱۹	۲.۲۹	۲.۲۵	۲.۴۲	روحیه خلاقکاری
۰.۰۵۴	۳.۴۴	۳.۴۷	۳.۵۲	۳.۳۲	روابط انسانی در مدرسه

جدول فوق نشان می‌دهد که چهار مورد (از یازده مقوله مورد مطالعه) از بابت وضعیت فرهنگی متفاوت از یکدیگرند. اولاً هر چه سطح فرهنگی خانواده بالاتر است، پاسخگویی خانواده به نیازهای فرزندان بیشتر است؛ ثانیاً هر چه سطح فرهنگی خانواده پایین‌تر است، میزان آشفتگی در خانواده بیشتر است؛ و ثالثاً اضطراب و افسردگی در میان دانش‌آموزانی بیشتر است که متعلق به خانواده‌های سطوح پایین فرهنگی هستند.

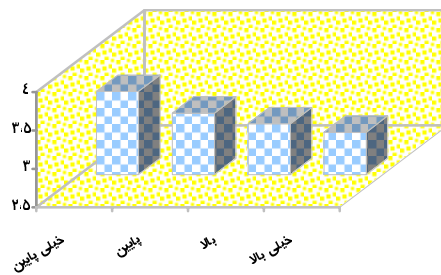
۱۶) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس خانواده پاسخگو در مقوله وضعیت فرهنگی



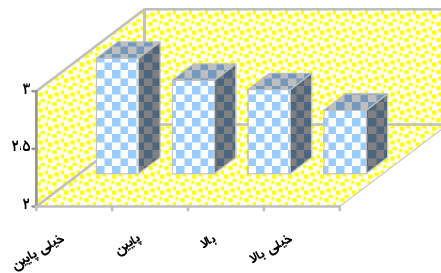
۱۷) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس خانواده آشفتگی در مقوله وضعیت فرهنگی



۱۸) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس اضطراب در مقوله وضعیت فرهنگی



۱۹) نمودار مقایسه میانگینهای خرده‌مقیاس افسردگی در مقوله وضعیت فرهنگی

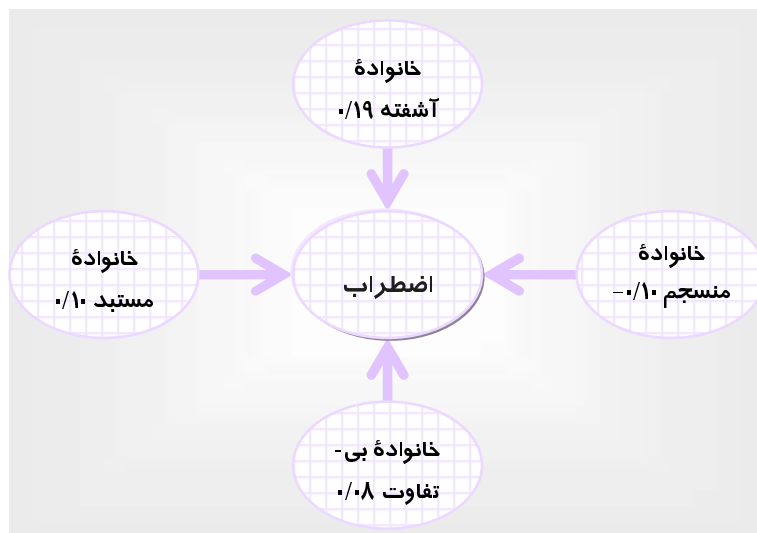


۳- تحلیل رگرسیون

در این بخش، نتایج تحلیل رگرسیون برای قدرت پیش‌بینی وضعیت روانی دانش‌آموزان و نگرش آنان به روابط انسانی در مدرسه از طریق سبک رفتاری خانواده را ارائه کرده‌ایم. این تحلیلها نشان می‌دهد که نه تنها سبک رفتاری خانواده در میزان سلامت/ ناسلامتی دانش‌آموزان و در نگرش آنان به روابط انسانی در مدرسه مؤثر است بلکه میزان سلامت/ ناسلامتی روانی دانش‌آموزان نیز عامل مؤثری در چگونگی نگرش آنان به روابط انسانی در مدرسه است. در زیر هفت نمودار تحلیل رگرسیون (شماره ۲۰ تا ۲۶) برای پیش‌بینی موارد زیر را، با نشان دادن مقادیر بتای استاندارد در هر مورد، ارائه کرده‌ایم:

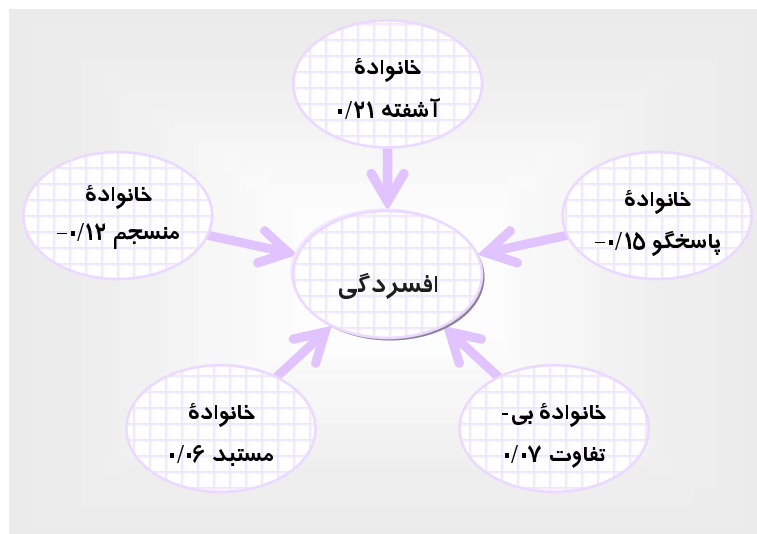
- ۱- پیش‌بینی میزان اضطراب دانش‌آموزان بر اساس سبک رفتاری خانواده؛
- ۲- پیش‌بینی میزان افسردگی دانش‌آموزان بر اساس سبک رفتاری خانواده؛
- ۳- پیش‌بینی میزان پرخاشگری دانش‌آموزان بر اساس سبک رفتاری خانواده؛
- ۴- پیش‌بینی نگرش ضداجتماعی دانش‌آموزان بر اساس سبک رفتاری خانواده؛
- ۵- پیش‌بینی میزان روحیهٔ خلافتکاری دانش‌آموزان بر اساس سبک رفتاری خانواده؛
- ۶- پیش‌بینی چگونگی نگرش دانش‌آموزان به روابط انسانی در مدرسه بر اساس سبک رفتاری خانواده؛
- ۷- پیش‌بینی چگونگی نگرش دانش‌آموزان به روابط انسانی در مدرسه بر اساس وضعیت روانی آنان.

۲۰) نمودار رگرسیون پیش‌بینی اضطراب دانش‌آموزان بر اساس سبک‌های رفتاری خانواده



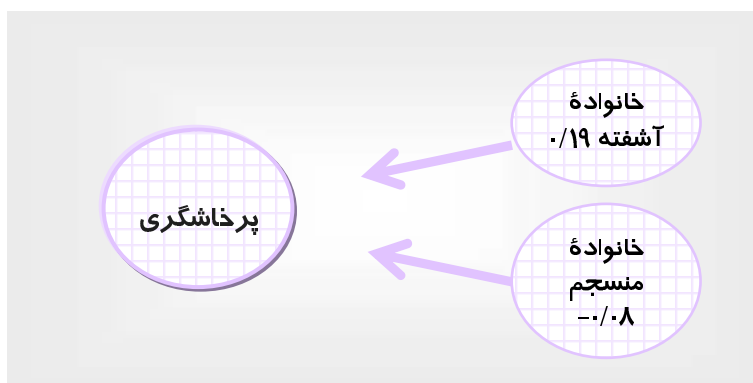
در نمودار بالا شاهد هستیم که آشفتگی، استبداد، و بی‌تفاوتی خانواده پیش‌بینی‌کننده اضطراب دانش‌آموزان است اما انسجام خانواده پیش‌بینی‌کننده سلامت روانی است.

۲۱) نمودار رگرسیون پیش‌بینی افسردگی دانش‌آموزان بر اساس سبک‌های رفتاری خانواده



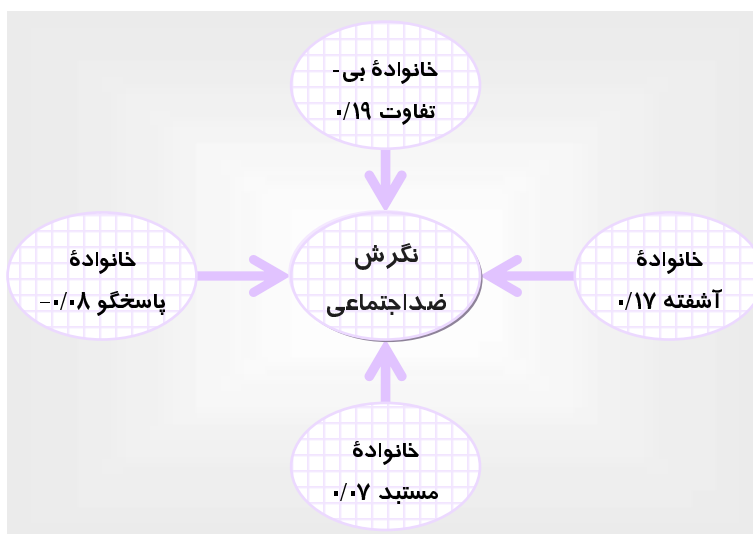
نمودار حاکی از تأثیر آشفته‌گی، بی‌تفاوتی، و استبداد خانواده در کمبود سلامت روانی دانش‌آموزان است اما پاسخگویی و انسجام خانواده پیش‌بینی‌کننده سلامت روانی است.

۲۲) نمودار رگرسیون پیش‌بینی پرخاشگری بر اساس سبکهای رفتاری خانواده



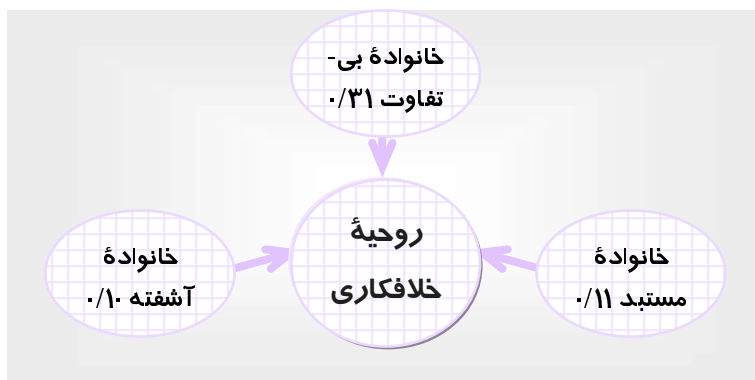
آشفته‌گی خانواده، بر عکس انسجام خانواده، پرخاشگری دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کند.

۲۳) نمودار رگرسیون پیش‌بینی نگرش ضداجتماعی بر اساس سبکهای رفتاری خانواده



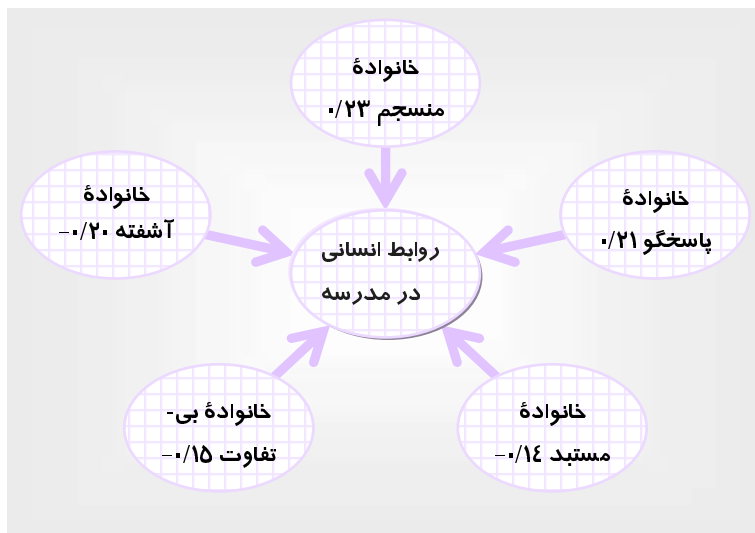
در حالی که پاسخگویی خانواده مغایر با نگرش ضداجتماعی فرزندان است، بی‌تفاوتی و آشفتگی و استبداد در خانواده باعث نگرش ضداجتماعی فرزندان می‌شود.

(۲۴) نمودار رگرسیون پیش‌بینی روحیه خلافت‌کاری بر اساس سبکهای رفتاری خانواده



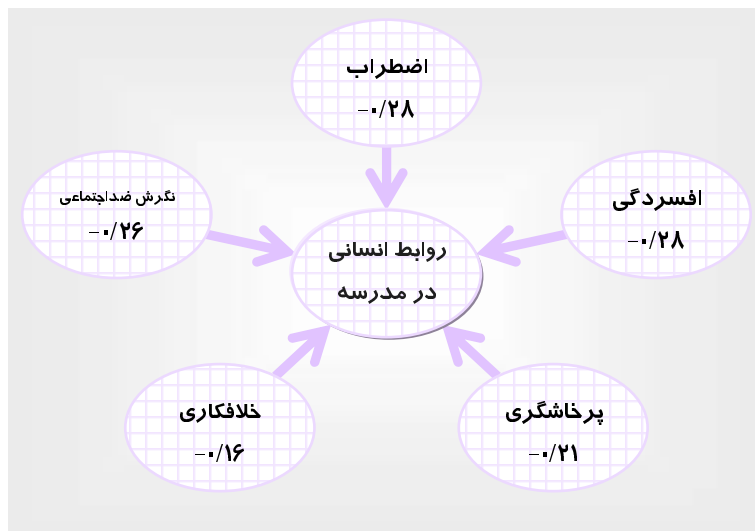
آن‌گونه که در نمودار بالا شاهد هستیم، وقتی که خانواده دچار بی‌تفاوتی و استبداد و آشفتگی است، باعث روحیه خلافت‌کاری شدید در فرزندان می‌شود. در این میان بی‌تفاوتی خانواده نقش عظیمی دارد.

(۲۵) نمودار پیش‌بینی نگرش به روابط انسانی در مدرسه بر اساس سبکهای رفتاری خانواده



نمودار فوق به روشنی آشکار می‌سازد دانش‌آموزانی که در خانواده‌های منسجم و پاسخگو تربیت می‌شوند نگرشی مثبت به روابط انسانی در مدرسه دارند اما آنان که متعلق به خانواده‌های آشفته و بی‌تفاوت و مستبد هستند نگرشی منفی به روابط انسانی در مدرسه نشان می‌دهند.

۲۶) نمودار پیش‌بینی نگرش به روابط انسانی در مدرسه بر اساس سلامت/ناسلامتی روانی



در این نمودار نیز شاهد هستیم که کمبودهای سلامت روانی باعث نگرش منفی به روابط انسانی در مدرسه می‌شود. به بیان دیگر، دانش‌آموزانی که دچار اضطراب، افسردگی، نگرش ضد اجتماعی، پرخاشگری، و روحیه خلافکاری هستند به روابط انسانی در مدرسه نیز نگرشی منفی دارند.

۴- نتیجه‌گیری

یافته‌های مذکور، که مؤید فرضیات ما در این تحقیق است، بیانگر نقش سبکهای رفتاری خانواده در ویژگیهای سلامتی/ناسلامتی روان‌شناختی دانش‌آموزان و در نحوه نگرش آنان به مناسبات انسانی در مدرسه است. با توجه به مقادیر بتای استاندارد که در هر نمودار نشان داده شده است، از این یافته‌ها برمی‌آید که:

- ۱- وجود ویژگیهای اضطرابی در دانش‌آموزان متأثر از سبک رفتاری خانواده است؛ به این معنا که خانواده‌های آشفته، مستبد، غیر منسجم، و بی تفاوت موجبات بروز روحیات اضطرابی را در فرزندان خود فراهم می‌کنند.
 - ۲- وجود خصوصیت افسردگی در میان دانش‌آموزان نیز متأثر از سبک رفتاری خانواده است و، به ترتیب، خانواده‌های آشفته، غیرپاسخگو، نامنسجم، بی تفاوت، و مستبد باعث افسردگی در فرزندان می‌شوند.
 - ۳- ویژگی پرخاشگری در میان دانش‌آموزان متأثر از دو سبک رفتاری فرزندپروری، یعنی آشفتگی و غیرمنسجم بودن خانواده، است.
 - ۴- نگرش ضداجتماعی در میان دانش‌آموزان، به ترتیب، ناشی از سبکهای رفتاری بی تفاوتی، آشفتگی، غیرپاسخگویی، و استبدادی در خانواده است.
 - ۵- روحیه خلافکاری در میان دانش‌آموزان بیش از همه در خانواده‌هایی بروز می‌کند که دچار بی تفاوتی نسبت به فرزندان هستند. خانواده‌های مستبد و آشفته نیز چنین روحیاتی را در فرزندان خود ایجاد می‌کنند.
 - ۶- نگرش مثبت دانش‌آموزان به روابط انسانی در مدرسه بیش از همه در افرادی دیده می‌شود که خانواده‌های منسجم و صمیمی و پاسخگو دارند. خانواده‌هایی که آشفته، بی تفاوت، و مستبد هستند فرزندان دارند که منفی‌ترین نگرش را نسبت به روابط انسانی در مدرسه ابراز می‌دارند. و با خره،
 - ۷- آن دسته از دانش‌آموزان مدارس راهنمایی و متوسطه و پیش‌دانشگاهی که، به ترتیب، دچار اضطراب، افسردگی، نگرش ضداجتماعی، پرخاشگری، و روحیه خلافکاری هستند منفی‌ترین نگرش را نسبت به روابط انسانی در مدرسه از خود نشان می‌دهند.
- یافته‌های این تحقیق به روشنی نشان می‌دهد که سبک رفتاری خانواده هم در وضعیت روانی دانش‌آموزان و هم در نگرش آنان به چگونگی روابط انسانی در مدرسه تأثیر می‌گذارد. بنا بر این، نقش مدرسه در تربیت دانش‌آموزان را نمی‌توان جدا از مناسبات درونی خانواده‌های دانش‌آموزان و شیوه‌های فرزندپروری و سبک رفتاری آنان دانست. روشن‌ترین پیشنهادی که می‌توان بر اساس یافته‌های فوق ارائه کرد این است که نهادهای مختلف اجتماعی و تربیتی و فرهنگی و دینی باید کوشش برنامه‌ریزی شده‌ای را در بهبود مناسبات درون خانواده و سبکهای رفتاری و شیوه‌های فرزندپروری به عمل آورند. از سوی دیگر، مدارس نیز باید با توجه بیشتر به اهمیت مسأله، در آگاهی بخشیدن به خانواده‌هایی که به نقش سلامت مناسبات خانوادگی و سبکهای رفتاری در خانواده توجه کافی ندارند سهم بیشتری ایفا نمایند. از آنجا که تقریباً همه خانواده‌های ایرانی فرزندان خود را برای سالهای نسبتاً طولانی به مدرسه می‌سپارند، نظام آموزش و پرورش می‌تواند برنامه‌های مؤثری برای رشد آگاهی و رفتار خانواده‌های دانش‌آموزان و چگونگی رفتار آنان با فرزندانشان، طراحی و اجرا نماید.

منابع

- اسماعیلی، محمد (۱۳۸۰). بررسی اثر آموزش درس مهارت‌های زندگی در تعامل با شیوه‌های فرزند‌پروری بر عزت نفس دانش‌آموزان استان اردبیل. فصلنامه پیام مشاور، سال سوم، شماره ۶.
- پور درویش، اصغر (۱۳۷۶). بررسی تأثیر شیوه‌های فرزند‌پروری بر انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی شهرستان شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- تاجوند، اصغر (۱۳۷۷). بررسی رابطه هوش، انگیزه پیشرفت، شیوه‌های فرزند‌پروری، و مدت عضویت با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه دوم و سوم راهنمایی عضو کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در شهر اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- جمشیدی عینی، شیرین (۱۳۷۶). بررسی رابطه شیوه‌ها و نگرش‌های فرزند‌پروری و خلاقیت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسینیان آقاملکی، سید محمد (۱۳۷۶). بررسی رابطه بین شیوه فرزند‌پروری و عزت نفس دانش‌آموزان پسر متوسطه در شهرستان قائم‌شهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- سبحانی، رحیم (۱۳۷۵). بررسی خصوصیات شخصیتی نوجوانان پرخاشگر و ساخت خانوادگی آنها در استان لرستان. وزارت آموزش و پرورش استان لرستان.
- شکرکن، حسین؛ و باقری، مسعود (۱۳۷۳). رابطه شیوه‌های فرزند‌پروری با انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- قاسمی، محمد مهدی؛ و نوربالا، احمدعلی (۱۳۸۰). تعیین شیوع افسردگی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان کرج. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه شاهد.
- کفایت، محمد؛ و شکرکن، حسین (۱۳۷۵). بررسی ارتباط شیوه‌ها و نگرش‌های فرزند‌پروری با خلاقیت و رابطه متغیر اخیر با هوش، پیشرفت تحصیلی و رفتارهای پیشرفت‌گرای دانش‌آموزان سال اول دبیرستان‌های اهواز. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۱). وضعیت و نگرش و مسائل نوجوانان و جوانان سراسر ایران. تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.
- لیل‌آبادی، لیدا (۱۳۷۵). بررسی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و شیوه‌های فرزند‌پروری مادران دانش‌آموزان عادی و مبتلا به اختلال سلوکی در مدارس ابتدایی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

مرادی، علی‌رضا (۱۳۶۵). بررسی خصوصیات شخصیتی نوجوانان پرخاشگر و ساخت خانوارهای آن‌ها در میان دانش‌آموزان مدارس. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

یوسفی، فایق؛ عرفانی، نصرالله؛ خیرآبادی، غلام‌رضا؛ و قانع، حسین (۱۳۷۹). بررسی شیوع اختلالهای سلوک و نافرمانی در دانش‌آموزان راهنمایی استان کردستان. فصلنامه اندیشه و رفتار، سال ششم، شماره ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.

Baumrind, D. (1989). Rearing competent children. In W. Damon (Ed.), *Child development today and tomorrow*. San Francisco: Jossey-Bass.

Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology Monograph*, 4 (No. 1, Part 2).

Baumrind, D. (1967). Child care practices anteceding three patterns of preschool behavior. *Genetic Psychological Monographs*, 75, 43-88.

Bouchard, T. J., Jr., Lykken, D. T., McGue, M., Segal, N. L., & Tellegen, A. (1990). Sources of human psychological differences: The Minnesota study of twins reared apart. *Science*, 250, 223-228.

Clark-Stewart, K. A. (1988). Parents' effects on children's development: A decade of progress? *Journal of Applied Developmental Psychology*, 9, 41-84.

Hartup, W. W. (1989). Social relationships and their developmental significance. *American Psychologist*, 44, 120-126.

Hess, R. D., & McDevit, T. M. (1989). Family. In E. Barnouw (Ed.), *International Encyclopedia of Communications*. New York: Oxford University Press.

Jacobson, J. L., & Wille, D. E. (1986). The influence of attachment pattern on developmental changes in peer interaction from the toddler to the preschool period. *Child Development*, 57, 338-347.

Kagan, J., Snidman, N., & Arcus, D. M. (1992). Initial reactions to unfamiliarity. *Current Directions in Psychological Science*, 1, 171-174.

Maccoby, E. E., & Martin, J. A. (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In E. M. Hetherington (Ed.), *Handbook of child psychology: Vol. 4. Socialization, personality, and social development* (4th ed.). New York: Wiley.

Plomin, R. (1989). Environment and genes: Determinants of behavior. *American Psychologist*, 44, 105-111.

Steinberg, L. (1993). *Adolescence* (3rd ed.). New York: McGraw-Hill.

Steinberg, E. R. (1989). Cognition and learner control: A literature review. 1977-1988. *Journal of Computer-Based Instruction*, 16(4), 117-121.